

پیامدهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا

* رضاعلی نوروزی

** طاهره بابازاده

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی دیدگاه فلسفی صدرا درباره نفس و دلالت‌های تربیتی آن در خصوص بعضی عناصر تعلیم و تربیت (مراحل و اصول) است. این پژوهش از تحقیقات کیفی و با روش توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است که ضمن تبیین دیدگاه ملاصدرا درباره نفس و چگونگی حدوث و مراتب آن به تشریح مقوله‌های مطرح در این حوزه پرداخته و مباحث تعلیم و تربیت مرتبط با بحث حاضر را در یک چارچوب پیشنهادی در قالب مراحل و اصول تربیتی ارائه نموده است. نتایج حاصل با توجه به مراتب نفس، به تقسیم‌بندی مراحل تعلیم و تربیت انجامیده است. بدیهی است که اصول تعلیم و تربیت بر اساس مبانی فلسفی ملاصدرا درباره نفس در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی

ملاصدرا، نفس، حرکت جوهری نفس، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء، مراتب نفس، تجرد عقلانی، دلالت‌های تربیتی.

nowrozi.r@gmail.com

ta_babazadeh@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۹/۲۰

*. استادیار دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۱

طرح مسئله

تعلیم و تربیت، تنها راه تحقق انسان واقعی است و خداوندی که انسان را آفرید و او را اشرف مخلوقات قرار داد، کمال مطلوب او را نیز با ویژگی‌های منحصر به فردی که در وجود او به ودیعه نهاده، تعریف نموده است؛ اما نگاهی کوتاه به زندگی امروزه بشر، ما را دچار شگفتی می‌سازد؛ زیرا تعلیم و تربیت که عنصر اساسی در نیل به کمال به‌شمار می‌رود، دستخوش مقولاتی فاقد ارزش‌های معنوی انسانی گشته که گاه افراد را فقط برای زندگی دنیوی سرشار از مادیات آماده می‌سازد و حقیقت وجودی آنها (نفس انسانی) نادیده گرفته می‌شود. دنیای مکانیکی امروز در اوج پیشرفت‌های صنعتی، الکترونیکی، ارتباطی و ... به جای اینکه انسان را در راه رسیدن به کمال حقیقی یاری نماید، روزبه‌روز میان وجود او و اصل و فلسفه آفرینش او فاصله می‌اندازد.

متأسفانه بی‌سر و سامانی وضعیت تعلیم و تربیت، ریشه‌های اصیل وجود آدمی را به نابودی می‌کشد و روح او را که در آغاز آفرینش، سرشار از نسیم الهی و خوی کمال‌جویی بوده است، به بیراهه کشانده، نابود می‌سازد. این در حالی است که در جهان امروز، پژوهش‌ها و فعالیت‌های بسیاری در زمینه تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد و هر یک در تلاش هستند تا در این هیاهو، آرامش و کمال واقعی را بیابند؛ غافل از اینکه آرامش حقیقی در خود انسان نهفته است و او بی‌خبر از همه‌جا آرامش و کمال را در جای دیگر و در دنیای مادیات جستجو می‌کند. انسان وجودی است که تمام عالم هستی در او نمایان است؛ اما حقیقت آفرینش خود را فراموش کرده است. شناخت حقیقت زندگی در گرو شناخت نفس است و آگاهی صحیح از آن، پنجره‌های سعادت و کمال را می‌گشاید.

از سوی دیگر، در جهان اسلام و در میان دستاوردهای فیلسوفان اسلامی به آموزه‌هایی برخورد می‌کنیم که سعی در تبیین حقیقت وجودی انسان داشته‌اند. یکی از این بزرگان، صدرالمتألهین شیرازی است که در سایه تفکر، تعقل، دانش‌اندوزی، ریاضت، توسل به قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام و مهم‌تر از همه، توفیق الهی به حقایق شگفت‌انگیزی در باب ابعاد وجودی انسان (نفس و بدن) دست یافت. با استفاده از

دیدگاه‌های وی و استخراج پیامدهای تربیتی آنها می‌توان تغییرات شگرفی در مسیر زندگی آدمی پدید آورد و او را از جهالت اسارت در دنیای مادی و مصرف‌گرایی خالی از ارزش‌های معنوی رهانید.

بنابراین محور اساسی مقاله حاضر بحث نفس است که در طی مراحل مختلف با عنوان نفس نباتی، حیوانی و انسانی مطرح می‌شود. در هر یک از این مراحل می‌توان تدابیر تربیتی خاص آن مرحله را اتخاذ نمود. علاوه بر اینکه، اصول تربیتی نیز براساس این دیدگاه ارائه می‌گردد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، بررسی نفس از دیدگاه ملاصدرا و تبیین دلالت‌های تربیتی ناشی از آن می‌باشد. از آنجاکه پژوهش حاضر بر مبنای رابطه میان فلسفه و تعلیم و تربیت صورت گرفته است، این امکان وجود دارد که با پژوهش در یک فلسفه خاص که فیلسوف از پرداختن به امور تعلیم و تربیت غافل بوده، به ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای تربیتی خاصی که موافق مبانی فلسفه اساسی اوست اقدام نمود. البته به‌طور یقینی نمی‌توان ارتباط میان یک فلسفه معین و پیشنهادهای تربیتی را اثبات نمود؛ چون اقتباس دلالت‌های تربیتی از یک نظریه فلسفی، قواعدی مشخص و عینی نیستند؛ اما این شیوه، شایع‌ترین روش در فلسفه آموزش و پرورش است. (اسمیت، ۱۳۷۱: ۷۹) به همین منظور، ابتدا کتب تألیفی صدرالمآلهین بررسی شده و از خلال آنها مباحث مربوط به نفس استخراج گشته است. این پژوهش می‌تواند از طریق تبیین قسمتی از فلسفه تعلیم و تربیت، همسو با نیازهای جامعه ما، به رفع بخشی از معضلات نظام تعلیم و تربیت کمک نماید.

الف) نفس از منظر ملاصدرا

بررسی ماهیت و ویژگی‌های نفس از مسائل مهم فلسفه تعلیم و تربیت است که از قدیم در کانون توجه فلاسفه بوده و درباره استقلال یا عدم استقلال نفس از بدن دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. دیدگاه اول از آن اندیشمندانی بوده که بنابر نظر دوگانه‌انگاری افلاطون، نفس را حقیقتی مجرد از ماده و مستقل از آن می‌دانستند. (پهلوانیان، ۱۳۸۷: ۸۰)

دیدگاه دوم طبق دیدگاه ارسطو و پیروانش، نفس را جوهر و پدیده‌ای مادی می‌دانستند که صورت بدن و کمال اول او شمرده می‌شود. (کاردان، ۱۳۸۷: ۳۰)

ملاصدرا نیز نوع دوم رابطه نفس و بدن (رابطه ماده و صورت) را می‌پذیرد و نفس را صورتی برای ماده جسمانی یا همان بدن انسان مطرح می‌کند؛ اما نحوه تعلق نفس به بدن را از نوع تعلق صورت به ماده نمی‌شمرد و دیدگاه او از این لحاظ با سایر حکما متفاوت است. از نگاه صدرا، نفس جوهری ذاتاً مستقل است که در فعل نیاز به ماده دارد و متعلق به اجسام است. (سجادی، ۱۳۶۱: ۵۹۳)

مفهوم نفس از دیدگاه ملاصدرا پس از تشریح نظر وی درباره حدوث نفس روشن‌تر خواهد شد.

یک. حدوث نفس

مشائیان معتقد بودند برای اینکه نفس در ابتدا متعلق به بدن باشد، زمینه‌ای می‌خواهد که قابلیت پذیرفتن آن را داشته باشد و در صورت حاصل نشدن این زمینه قابل، فیض از فیاض صادر نمی‌شود؛ همچنین اگر هم صادر شود، از آنجا که زمینه، قابلیت پذیرفتن آن را ندارد، این فیض ظهور نمی‌یابد. برای افاضه نفس به بدن نیز لازم است بدنی حاصل شود و استعداد دریافت نفس را پیدا کند تا نفس به آن افاضه شود و به همین جهت نمی‌تواند قدیم باشد؛ بلکه حادث به حدوث بدن و روحانی‌الحدوث خواهد بود. (محمدی، ۱۳۸۳: ۲؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۳)

اما صدرا با توجه به اصل حرکت جوهری معتقد است نفس روحانی‌الحدوث نیست؛ بلکه جسمانی‌الحدوث است. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۸: ۱۰؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۵)

نفس در حدوث و تصرف، جسمانی، ولی در بقا و تعقل روحانی است. (خواجوی، ۱۳۶۶: ۸۶)

او معتقد است همان‌طور که هر جوهری در ذات خود متحرک است، نفس نیز به‌عنوان یکی از انواع جواهر، دارای این نوع حرکت است و از پایین‌ترین مراتب خود (بدن) به سوی کمال جوهری خود، حرکت می‌کند تا اینکه به‌تدریج با بالاترین مراتب جوهری

خویش ارتقا می‌یابد. (زکوی، ۱۳۸۴: ۱۲۶)

بدین ترتیب، رابطه نفس با بدن رابطه اتحادی است و دیدگاه دوگانگی و ثنویت میان نفس و بدن به کلی زایل می‌شود و هرگونه انفکاک وجودی بین آنها از بین می‌رود.

دو. مراتب و قوای نفس

صدرالمتألهین می‌گوید نفس از نظر درجاتی که ممکن است در طول سال‌ها بدان نائل گردد، دارای دو مرحله است: یکی مرحله ابتدایی و دیگری مرحله نهایی. نفس در مرحله ابتدایی، جوهری مادی و طبیعی است که از دریاچه ماده نمودار می‌گردد و در نهاد آن تکوین می‌یابد و به تدریج به موازات ماده، راه کمال را می‌پیماید. (مصلح، ۱۳۵۲: ۷)

سه. نفس نباتی

نفس در آغاز مجرد نیست؛ نطفه یک ماده است و تمام مراحل آن مادی است که مراحل تکاملی را تا جنین شدن طی می‌کند. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶: ۱۰)

مادامی که جنین در رحم است، نفس آدمی در مرتبه نفس نباتی است؛ بنابراین جنین در این هنگام، بالفعل نبات و بالقوه حیوان است؛ زیرا قدرت حس و حرکت ارادی ندارد؛ ولی به واسطه همین حیوانیت بالقوه از نباتات ممتاز می‌شود. (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۵۵؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۰۷)

چهار. نفس حیوانی

پس از مدتی که صورت جنین از نظر خلقت و شکل کامل شد و به صورت یک حیوان یا انسان درآمد، همان نفس نباتی به درجه نفس حیوانی ارتقا می‌یابد و علاوه بر عمل نفس نباتی، به اعمال و افعال نفس حیوانی می‌پردازد. (مصلح، ۱۳۵۲: ۷) پس هنگامی که طفل به دنیا می‌آید، نفس او در درجه نفوس حیوانی است و در آن حال حیوان بالفعل و انسان بالقوه است. (همان: ۱۵۵؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۰۷)

نفس حیوانی و قوای آن پس از احراز نفس نباتی و قوای آن به دو قوه اصلی

«مدرکه» و «محرکه» تقسیم می‌شوند:

یک. قوه محرکه بر دو قسم است: باعثه و فاعله. «محرکه باعثه» همان قوه شوقیه‌ای است که نخست به صحت صورت ادراک خیالی یا وهمی و یا ادراک عقل عملی به وسیله ادراک خیالی و ادراک وهمی اذعان می‌کند و سپس این ادراک و اذعان به صحت آنها، حیوان را در جستجوی آن یا فرار از آن - برحسب وقایع پدیدآمده - برمی‌انگیزد و از این رو دارای دو شعبه است: شهوانیه و غضبیه. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۸۵) کار قوه «محرکه فاعله» نیز تحریک عضلات و وادار کردن آنها به انجام اعمال بدنی است.

دو. قوه مدرکه دوگونه است: خارجی و داخلی. قوه «مدرکه خارجی» شامل حواس پنج‌گانه و در ظاهر بدن است. لامسه در حیوان از ضروریات و شامل چهار قوه است و به دلیل اتحاد محل حس گمان می‌رود یک قوه است. آنچه به حس درمی‌آید، متضادها هستند و تعدد لامسه را بر تعدد انواع تضاد بنا گذاشته‌اند: سرما و گرما، رطوبت و یبوست، سخت و نرم و خشن و صاف (همو، ۱۳۶۲: ۲۷۹) قوه لامسه، پست‌ترین قوه بدن است که در همه جای آن پخش می‌باشد. پس از آن، شامه جهت تحصیل وجودی که از بدن دور است، به کار می‌آید. حس باصره برای دریافت محل غذا و دیگر احتیاج‌های بدن به کار می‌رود. همچنین سامعه و ذائقه برای بقای حیوان لازم هستند. سایر حواس موجود در بدن حیوانی نیز در همین مسیر عمل می‌کنند؛ ولی این حواس ظاهری برای کمال نهایی نفس کافی نیستند؛ لذا خداوند حواس باطنی را آفرید. (همو، ۱۳۷۰: ۴۵؛ واعظی، ۱۳۸۵: ۱۵۵)

قوه «مدرکه داخلی» نیز سه قسم است:

یکم. مدرک: هر آنچه را انسان درک می‌کند، یا معانی است یا صور؛ معانی یا کلی‌اند یا جزئی. معانی کلی را قوه «عاقله» و معانی جزئی را قوه «واهمه» ادراک می‌کنند. صورت‌ها نیز با «حس مشترک» درک می‌شوند.

دوم. حافظ: حفظ‌کننده‌ها یا نگهبانان عبارتند از: قوه خیال که حافظ صور جزئی است

و قوه حافظه یا ذاکره که نگهبان معانی است.

سوم. متصرف، مفکره یا متخیله: وظیفه آن عبارت است از ترکیب بعضی از صور با بعضی دیگر. (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۴۷ و ۱۴۸؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۹۳ - ۲۹۱؛ همو، ۱۳۷۱: ۸۴۲ و ۸۴۳)

کار این قوه (متخیله یا مفکره) ترکیب است، مثل تخیل انسان بالدار یا بی‌دست. این قوه گاهی تحت نظر قوه واهمه به تجزیه و ترکیب صور محسوسات می‌پردازد و گاهی تحت نظر عقل برای ترکیب فکر و مقدمات دلیل و تشکیل قیاس به کار گرفته می‌شود. (همو، ۱۳۷۰: ۴۵ و ۴۶)

پنج. نفس انسانی

هنگامی که طفل به دنیا می‌آید، نفس او در درجه نفوس حیوانی است (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۵۵) تا آنکه به بلوغ و رشد صوری برسد. (پانزده سالگی) (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۰۷) در آن حال حیوان بالفعل و انسان بالقوه است. هنگامی که او با نیروی فکر به جستجوی حقیقت رفت، انسان بالفعل خواهد شد و اگر این نیرو در وی تکامل یافت و به سرحد رشد معنوی رسید و ملکه استنباط و فضائل انسانی در وی به نحو اکمل تحقق یافت (حدود چهل سالگی) چنین شخصی را انسان نفسانی بالفعل و ملکوتی بالقوه می‌خوانند. (همو، ۱۳۷۰: ۳۹) صدق این عنوان نیز تا زمانی است که به مرتبه تجرد کامل نرسیده باشد؛ چون نفس آدمی دگرگون‌پذیر است و از عالم خلق به عالم امر و مجردات منتقل می‌شود و با تحول جوهری آن، وجودش عقلی و مجرد می‌گردد که عالی‌ترین مرحله تجرد است. (همو، ۱۳۷۸: ۱۵)

قوای نفس انسانی به عامله (عقل عملی) و عالمه (عقل نظری) تقسیم می‌شوند. قوه عامله متکفل تدبیر بدن است و کمال این قوه در آن است که بر سایر قوای حیوانی مسلط بوده، مقهور آنها نگردد؛ بلکه آنها را بر طبق نظر قوه عالمه به کار گمارد. قوه عالمه به سبب علاقه و ارتباط بین نفس و مفارقات حاصل می‌شود تا نفس ناطقه

به وسیله اتصال به عقل فعال و سایر مفارقات، علوم و حقایق و معارف کلی را درک کند. (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۴۸ و ۱۴۹) به عبارت دیگر، این قوه، تصورات و تصدیقات را ادراک می‌کند و حق و باطل را در مورد آنچه تعقل می‌کند، تشخیص می‌دهد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۹۹) پس عقل نظری باید همواره علاقه خود به عالم عقول و مفارقات را حفظ کند و متوجه عالم عقلانی باشد تا ملکه اتصال به عقل فعال حاصل گردد. (همو، ۱۳۶۰: ۵۲۲ - ۵۱۹)

نفس انسانی در آغاز امر، نسبت به علوم و معارف از هر جهت بالقوه است که در این حال «عقل هیولانی» نامیده می‌شود. سپس به واسطه درک اولیات به مرتبه عقل بالملکه و به واسطه درک کلیات و قدرت بر تفکر و استنباط، به مرتبه عقل بالفعل نائل می‌گردد؛ ولی در این حال هنوز به درجه‌ای نرسیده است که همواره مستحضر همه صور عقلی و ملازم جمیع مسائل علمی باشد؛ بلکه ادراک صور عقلی و استنباط مسائل کلی در این حال، بسته به اراده نفس و توجه اوست؛ ولی هنگامی که به طور کلی و دائمی متوجه عالم عقول کلی گردید و اتصال کامل یافت و حقایق را به چشم ملکوتی در ذات خویش یا در ذات مبدأ عقلانی خود مشاهده کرد، او را «عقل بالمستفاد» نامند. در این هنگام، این نوع از حیوان که در پیکر انسان ظهور نموده است، به نهایت درجه کمال انسانی نائل می‌گردد. (همان)

حال با توجه به مبانی مربوط به این مباحث به تبیین آثار تربیتی ناشی از آن می‌پردازیم:

ب) تعلیم و تربیت براساس دیدگاه ملاصدرا در باب نفس

دیدگاه ملاصدرا درباره حرکت جوهری نفس و جسمانی‌الحدوث بودن آن رویکردی نوین است که یک‌باره تمام افکار اندیشمندان قبل از وی را در هم شکست. با در نظر گرفتن دیدگاه حکیم شیرازی، آموزش و پرورش از قالب رسمی و سنتی خارج می‌گردد و تعلیم و تربیت مادام‌العمر و شامل نظام رسمی و غیر رسمی با ویژگی‌های خاص، تغییرات

بنیادینی را سبب خواهد شد.

ادامه پژوهش برآن است تا براساس آرای ملاصدرا درباره نفس، به دلالت‌های تربیتی آن دست یابد و نتایج را به صورت کارآمد و مفید ارائه دهد. این بحث طی دو بخش مراحل و اصول تعلیم و تربیت بررسی می‌گردد.

یک. مراحل تعلیم و تربیت

در اهمیت مراحل تربیت، همین بس که هر نظام تربیتی بدون آن ناتمام و ناتوان خواهد بود و اهداف، اصول و روش‌های تربیتی متوقف بر تعیین مراحل هستند. آنچه راه ما را در دست‌یافتن به اهداف هموار می‌کند و کلید بهره‌وری از اصول و روش‌ها را به دست می‌دهد و آشکار می‌سازد هر اصل و روشی را که باید کجا وا گذاشت و کجا به کار بست، همان مراحل و منازل تربیت است. (باقری، ۱۳۸۸: ۲۴۱)

مراحل تعلیم و تربیت از دوران پیش از تولد (مرحله نفس نباتی) آغاز می‌شود و در هر مرحله، متناسب با شرایط خاص همان مرحله، تدابیر تربیتی اتخاذ می‌گردد. این مراحل با توجه به آرای فلسفی ملاصدرا درباره نفس عبارتند از:

۱. پیش از تولد (مرحله نفس نباتی)

نفس در مراحل ابتدایی (تا قبل از رسیدن به مرتبه کمال روحانی) جوهری جسمانی است که دوش به دوش ماده، راه کمال و مراتب ارتقا را می‌پیماید و هرگز از تعلق به ماده رهایی نمی‌یابد. بنابراین باید گفت تعلق به ماده، جزء ماهیت نفس است و تا زمانی که جنین در رحم مادر باشد، در رتبه نفس نباتی است. نفس جنین در ابتدای امر، صورتی طبیعی است که با عنوان نفس نباتی، ماده جنین را به جانب نشو و نمو سوق می‌دهد. (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۰ - ۷)

در مرحله نباتی، نفس تابع قوانین حیات به معنای جسمانی آن است. بنابراین باید قسمتی از قواعد تربیت او را - پیش از علمای تعلیم و تربیت - دانشمندان زیست‌شناسی و متخصصان بهداشت تعیین کنند. هدف اساسی تربیت در این دوره، رشد جسمانی و

شرط لازم آن (تغذیه به طور طبیعی و کامل) است. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶: ۳۷۹) از این رو مراقبت‌های مربوط به دوران بارداری اهمیت بسیاری دارد و ممکن است هرگونه بی‌توجهی به جنین و سلامت آن، سبب پیدایش صفات یا ناهنجاری‌های جسمی و روحی در فرزند شود و چه بسا ممکن است به صورت یک موجود ناقص در مسیر حرکت به سوی کمال، نه تنها دچار مشکلات فراوانی شود که جامعه انسانی را نیز با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت.

۲. از تولد تا بلوغ صوری (نفس حیوانی)

وقتی نفس قوی می‌شود و بر اثر تابش نور حق به فعلیت می‌رسد، محسوسات در آن نقش می‌بندند. این محسوسات که معقول بالقوه و محفوظ در قوه خیال می‌باشند، زمینه تشکیل اولین قضایای عقول را مهیا می‌کنند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۵۱۹)

نخستین مقصد نفس، به کار بردن اندام‌های حسی است که موجب ادراکات حسی می‌گردد. (همو، ۱۳۷۸: ۴۱) درجه نفس در این مرحله، درجه طبیعت و مرتبه او مرتبه حس است؛ به طوری که در مرتبه لمس که یکی از مراتب احساس است، عین عضو لمس‌کننده، در مرتبه بوئیدن، عین عضو بوکننده، و در مرتبه چشیدن، عین عضو چشنده و در سایر مراتب حس، عین همان عضوی است که احساس می‌کند. (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۵۴) صدرالمتألهین درباره اعمال طبیعی حواس که ابزار نفس برای شناخت محسوسات هستند، چنین می‌گوید:

قوای حسی برای نفس مانند جاسوسانی هستند که بعضی از آنها مانند حواس ظاهری در عمل خود و اطاعت از نفس به منزله فاعل بالاجبارند که نمی‌توانند از حد خود تجاوز کنند؛ چنانکه هر یک از اندام‌های حسی ظاهری از انجام عمل اندام حسی دیگر ناتوانند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۸)

بنابراین در این مرحله (از تولد تا ۱۵ سالگی) بهره‌گیری از حواس اهمیت بسیاری دارد. استفاده از حواس، روند دانستن و شناختن است و هرچه تجارب حسی متنوع‌تر و وسیع‌تر باشد، پایه شکل‌گیری عقاید درباره دنیای پیرامونش نیز گسترده‌تر خواهد شد و هر نوع محرومیت

یا محدودیت حسی، به تخریب یا کامل نشدن مفاهیم می‌انجامد. (کول، ۱۳۷۷: ۱۸۵)

بنابراین در این مرحله، تربیت صحیح حواس ضرورت می‌یابد؛ چون معرفت بر مشهودات حسی استوار است و هر قدر حواس ظاهری عمل خود را بهتر انجام دهند، معلومات اولی ذهن، زیادتیر و دقیق‌تر بوده، این امر در کمیت و کیفیت اعمال نفسانی و ترکیبات و ابتکارات ذهنی تأثیر کلی خواهد داشت. حواس طفل بدون دخالت اطرافیان و به خودی خود کار می‌کنند و از اشیا علاماتی به او می‌دهند و طفل با توجه به کنجکاوی فطری خود، به تعبیر و توجیه آن علامات می‌پردازد و از حالات نفسانی خود، به وجود اشیای خارجی و صفات و خواص و گاهی به ماهیت آنها حکم می‌نماید. تربیت حواس باید به گونه‌ای باشد که اعضای حواس، قرین صحت و سلامت باشند و وظایف خود را به درستی انجام دهند و از طرفی تفسیری که از مشهودات حسی می‌شود، مصون از خطا باشد؛ به خصوص زمانی که حواس قائم‌مقام یکدیگر شوند و احتمال خطا بیشتر باشد. (سیاسی، ۱۳۴۸: ۱۳۰ و ۱۳۱)

در هر مرحله از رشد، استعدادها و توانایی‌های خاصی وجود دارد که اگر پرورش نیابد، زمینه مساعد برای ورود به مراحل بعدی با مشکلات روبرو خواهد شد. یکی از دلایلی که افراد در دوره بزرگسالی، توانمندی بالقوه خود را به نحو مطلوب به کار نمی‌گیرند، عدم تربیت و بهره‌گیری صحیح از حواس در مرحله نفس حیوانی است. تربیت صحیح سبب خواهد شد ادراک جزئیات که مختص مرحله نفس حیوانی است، به شرایط مطلوب نزدیک‌تر شود و افراد در مواجهه با محیط، عمیق‌تر بیندیشند و عمل نمایند.

نفس، آلات و قوا را برای انجام مقاصد خویش استخدام می‌نماید. از آنجاکه ظاهر انسان، ابزار نقش‌زدن بر باطن اوست، در این مرحله از تعلیم و تربیت همواره باید به همراه تربیت حواس و قرار دادن کودک در محیط‌های وسیع و نیز روبرو ساختن وی با ابزار، اشیا، گیاهان و حیوانات مختلف و ... به اصلاح شرایط پیرامون وی و زمینه‌سازی از طریق تأمین سلامت بدن کودک و مراقبت از وی و همچنین اسوه‌سازی مطلوب توجه خاص مبذول داشت. (باقری، ۱۳۸۸: ۲۵۱ و ۲۵۲)

با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت مبدأ تمام افعال نفس است که حواس ظاهری و باطنی را برای انجام اهداف خویش به کار می‌گیرد. همچنین تمامی حواس باطنی زیر نظر نفس فعالیت می‌کنند و تمامی ادراکات و محسوسات آنها باز به نفس بازگشته، بر آن اثر می‌گذارند. بر این اساس، هرچه نفس متعالی‌تر باشد و از پرداختن به امور جسمانی و پلیدی‌ها دوری کند، اعضا را بیشتر به مثبت‌گرایی سوق می‌دهد و بالعکس، اگر گرفتار اصلاح و رفع نیازهای جسمانی خود باشد، از موطن اصلی خویش باز می‌ماند.

همان‌گونه که در بحث نظری درباره نفس از نگاه ملاصدرا گفته شد، عقل بالملکه، شامل حس و تخیل آدمی می‌شود. بنابراین نمی‌توان نقش خیال را که از حواس باطنی انسان است، در این دوره نادیده گرفت؛ چراکه بنا بر اعتقاد ملاصدرا، محسوسات در خیال محفوظ هستند و نقشی اساسی در شکل‌گیری اولین قضایای عقل دارد. بر این اساس، پرورش و هدایت صحیح آن در این مرحله اهمیت خاصی دارد.

این دو مرحله را می‌توان مراحل تمهید دانست که تعلیم و تربیت در آنها، مقدمه‌ای برای مرحله بعدی محسوب می‌شود. کودک در این دوره‌ها به هویت شخصی و سرنوشت خویش آگاه نیست و تربیت او باید از سوی سایرین (والدین، معلم و ...) تحت عنوان راهنما صورت گیرد.

۳. از بلوغ صوری تا بلوغ معنوی (مرحله انسان بالقوه)

پس از اینکه نفس حیوانی از طریق محسوسات و متخیلات به حصول معقولات بالملکه دست یافت، زمینه اندیشیدن و استنباط آماده می‌شود و این مرتبه، اولین کمال قوه عاقله است. وقتی انسان با تلاش ذهنی، تعاریف و قیاسات و حدود و براهین را به کار می‌گیرد، کمال دیگری به دست می‌آورد که همان ادراکات تصورات و تصدیقات نظری، مثل تصور امور غیرمحسوس و تصدیق مسائل ماورای طبیعت است و این همان عقل بالفعل است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۵۲۲ - ۵۲۰) انسان کمالات و نقایص را با عقل نظری تشخیص می‌دهد و سپس با عقل عملی حکم می‌کند که این فعل شایسته انجام یا ترک است. (الله‌بداستی، ۱۳۸۳: ۳۹) اگر قوه حیوانی که مبدأ ادراکات و افعال حسی در انسان

است، ریاضت نکشد و فرمان‌بردار روح نگردد، قوه ناطقه را در اهداف حیوانی خود به خدمت درآورده است و گاه آن را به سوی شهوت خود می‌راند و گاه در راه غضب خویش به کار گیرد و اصل و منشأ آن، دو قوه متخیله و متوهمه است؛ اما اگر قوه عاقله، آن را ریاضت دهد، از تخیلات و توهمات و افعالی که محرک شهوت و غضب هستند، باز می‌دارد و آن را آن‌گونه که عقل عملی اقتضا می‌کند، مجبور می‌نماید تا به فرمان‌برداری از حق در خدمت او عادت کنند و فرمان او را اجرا نمایند. پس دیگر قوای جسمانی که از توابع قوای حیوانی هستند، از قوه حیوانی - که فرمان‌بردار عقل گشته - پیروی می‌کنند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰۷۷) بنابراین از جمله اقدامات مهم تربیتی، تهذیب نفس و آشنایی و آموزش الزامات آن به فراگیر (متربی) است. به عبارت دیگر، علاوه بر پرورش قوای نظری عقل، بُعد عملی آن نیز در سایه تهذیب و تزکیه نفس اهمیت می‌یابد.

بالاترین مرتبه کمال نفس رسیدن به عقل مستفاد است که این کمال در جنبه عقل نظری حاصل نمی‌شود، مگر با گذشتن از خودِ طبیعی و پیمودن مراتب عقل عملی که عبارتند از: تهذیب ظاهر با به کار بردن شریعت الهی و آداب نبوی، تهذیب باطن و تطهیر قلب از اخلاق و ملکات پست و خاطره‌های شیطانی، نورانی نمودن قلب با علوم و معارف حق و ایمانی، پرواز نفس از طبیعت مادی و بریدن هرگونه توجه از غیر خدا. این نهایت سیر بشری به سوی خداست. (همان: ۸۶۴)

مرحله بلوغ صوری (از تولد تا ۱۵ سالگی) تا بلوغ معنوی (از ۱۵ تا ۴۰ سالگی)، مرحله اعتدال و اعتلا خواهد بود؛ زیرا فرد از لحظه بلوغ به حضور خود در جهان آگاهی کامل می‌یابد و در او بینشی در قبال آگاهی و مسئولیت نسبت به اعمال خویش پدید می‌آید و اعتدال‌گرایی و مجاهدت برای اعتلای نفس اهمیت خاصی می‌یابد. در این مرحله، تربیت او علاوه بر راهنمایی و هدایت مربیان، شامل فعالیت، مسئولیت و اختیار خود متربی نیز خواهد شد.

بنابراین تعلیم و تربیت نفس در طی مراحل ذکرشده صورت می‌گیرد و هرچند سیر و سلوک نفس پایان نمی‌یابد و لازمه وصول به عقل مستفاد، رهایی از عالم ماده است، با

این همه مراحل تربیتی تا فعلیت یافتن نفس ادامه دارد و پس از آن به علت مفارقت نفس از این دنیا از تربیت دنیوی مستغنی خواهد شد.

انعقاد نطفه تا تولد	نفس نباتی	مرحله تمهید
مرحله حس، حرکت و تخیل (تولد تا ۱۵ سالگی)	نفس حیوانی (عقل هیولایی و بالملکه)	
مرحله تربیت عقلانی و تهذیب نفس (۴۰ - ۱۵ سالگی)	انسان بالقوه (عقل بالملکه)	مرحله اعتدال و اعتلا
تجرد عقلانی	انسان بالفعل (عقل بالفعل)	

جدول ۱: مراحل تعلیم و تربیت

دو. اصول تعلیم و تربیت

منظور از اصل تعلیم و تربیت، دستورالعمل کلی در جریان تربیت است که باید و نبایدهایی را برای این امر تجویز می‌کند و چارچوبی برای راهنمایی مربیان خواهد بود.

۱. مبتنی بر نظریه حرکت جوهری نفس

حرکت جوهری از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که ملاصدرا مطرح ساخته و سیر استکمالی نفس را بر آن بنا نهاده است. این نظریه، مبنای بسیاری از اصول تربیتی در این بخش خواهد بود:

۱ - ۱. روند تعلیم و تربیت از ادراک معلومات به ادراک مجهولات

در میان موجودات، انسان دارای ویژگی‌های شگفت‌انگیزی است. مهم‌ترین آنها احضار معانی مجرد از مواد حسی و رسیدن به شناخت مجهولات عقلی از راه معلومات، به واسطه فکر و اندیشه است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۸۵۴) بر این اساس، مربی همواره باید تعلیم و تربیت را از معلومات آغاز کند و سپس با استفاده از روش‌های خاص تربیتی، مترئی را در شناخت مجهولات عقلی یاری رساند. مسلماً بدون بهره‌گیری از معلومات نخستین، کشف مجهولات و رسیدن به مرحله اعتدال و اعتلا به‌طور مطلوب امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲ - ۱. اصل تغییر، اصلاح و بازآفرینی

حرکت جوهری این اجازه را به انسان می‌دهد تا در هر لحظه به بازآفرینی وجود خویش دست زند و مسیر اشتباه گذشته را تغییر دهد؛ چراکه نفس مدام در حال نوشدن و ساخته شدن است. نظام تعلیم و تربیت با در نظر داشتن اصل تغییر، اصلاح و بازآفرینی، باید ذهن متربی را از هرگونه جمود و رخوت بازدارد و این تصور را در وی به وجود آورد که هر لحظه امکان تغییر و اصلاح آموخته‌ها و تجربیات پیشین وجود دارد. بنابراین رویارویی با پدیده‌های نو، تغییر تجربیات پیشین و همخوان شدن با تجربیات جدید برای نفس آدمی امکان‌پذیر است؛ چراکه انسان، موجود خلاق است که می‌تواند وجود خود را متحول سازد.

۳ - ۱. پیوستگی تعلیم و تربیت

بر مبنای نظریه حرکت جوهری، جهان یک واحد به هم پیوسته و دارای حرکت و سیلان یکپارچه است. این حرکت متشکل از قوه و فعل است؛ بدین معنا که هر مرتبه از حرکت که به فعلیت رسیده باشد، قوه‌ای برای مرحله بعد محسوب می‌شود. استمرار امر تربیت از این اصل مهم ناشی می‌شود و هر عملی - اعم از جوارحی یا جوانحی - بستر عمل بعدی را فراهم می‌سازد. گذر از یک مرحله، قوه لازم برای فعلیت آتی را در تربیت فرد به دنبال خواهد داشت. (خسرونژاد، ۱۳۸۷: ۱۰۶ و ۱۰۷)

بنابراین نظام تعلیم و تربیت نیز نباید در یک مرحله متوقف شود؛ بلکه باید تمامی لحظه‌های عمر آدمی را دربرگیرد، نه اینکه محدود به دوره خاصی گردد. تعلیم و تربیت فقط مختص دوره کودکی و نوجوانی یا محدود به آموزش‌های رسمی مدرسه و دانشگاه نیست؛ بلکه نفس به هر منزلی برسد، بالاتر از آن نیز هست و این تمام طول عمر انسان را دربرمی‌گیرد؛ چراکه مسیر رشد و کمال نفس، بی‌نهایت است و استمرار تربیت ضرورت دارد.

پیوسته بودن مراحل تکوین نفس و نیز مرحله به مرحله بودن آن، ضرورت تعلیم و تربیت پلکانی و متناسب با هر مرحله را ایجاب می‌کند.

۴ - ۱. سیر تدریجی و متوالی بودن تعلیم و تربیت

از نظر ملاصدرا، فعل و قوه با هم حرکت می‌کنند و درجات کمال را می‌پیمایند و در مراتب کمال دگرگونی می‌یابند. در برابر هر استعدادی، فعلیت ویژه‌ای است و در مقابل هر بدنی، نفسی معین. پس محال است نفسی که درجات نباتی و حیوانی را گذرانیده، دوباره به مرحله قبل بازگردد و تا هنگامی که جنین در رحم است، صورتش از درجه نفس نباتی تجاوز نمی‌کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۹۱۳) بر این اساس، هر یک از مراحل شکل‌گیری نفس، ساخت و عملکرد خاص خود را دارد؛ به این معنا که فرد نمی‌تواند بدون طی مرحله پیشین به مرحله بعدی وارد شود و بازگشت به مراحل پیشین نیز امکان‌پذیر نیست. با توجه به اینکه نفس برای رسیدن به کمال، از آغاز پیدایش خود مراحل را پشت‌سر می‌گذارد و قوای موجود در نفس نباتی، حیوانی و انسانی نیز به تدریج ظهور می‌یابند، تربیت آنها نیز باید به صورت تدریجی و مرحله به مرحله صورت گیرد و در هر مرحله، برنامه‌های متناسب با همان مرحله تدبیر گردد.

۲. مبتنی بر مراتب نفس

۱ - ۲. جامعیت

وجود مراتب نفس ایجاب می‌کند نظام تعلیم و تربیت همه‌گیر باشد؛ به گونه‌ای که حس، خیال و عقل انسان را دربرگیرد و ناظر بر تمام قوای نفس باشد. حس، وهم و عقل باید در تعادل و همکاری باهم باشند. ملاصدرا سالکانی را که تنها به یک جنبه از وجود خود اهمیت می‌دهند و از سایر قوای خود غافل‌اند و آن را سرکوب کرده‌اند، سرزنش می‌کند. بنابراین تمام جنبه‌های وجود آدمی باید هماهنگ باهم تربیت شوند و تمام جلوه‌های فردی، جسمی و روحی (شناختی، عاطفی و ...) باید هماهنگ با هم تربیت شوند. علاوه بر اینکه در نظام تعلیم و تربیت صدایی پرداختن به یک بعد از ابعاد وجود آدمی بی‌معنا خواهد بود. صرف آموختن علوم بدون پرورش اخلاقیات هرگز نمی‌تواند انسان را به غایت برساند؛ چنان‌که در کنار تعقل احساسات و عواطف نیز نباید مغفول بماند. بدین ترتیب، تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای باشد که تمام جنبه‌های وجودی انسان،

همگام و هماهنگ با یکدیگر متحول شوند و به تعالی برسد. در غیر این صورت، آثار جبران‌ناپذیری نصیب فرد یا حتی اطرافیان او خواهد شد.

۲-۲. تناسب برنامه‌های تربیتی با مراحل تکاملی

گفته شد که نفس پیش از تجرد دارای مراتبی طبیعی است که هر یک از آنها درخور مزاجی مخصوص، وجودی مشخص و سن معینی - از جنینی، کودکی، بلوغ، جوانی، پیری، سالخوردگی و مرگ و برانگیختن - می‌باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۷۲)

بر این اساس، باید برنامه‌های تربیتی را متناسب با هر یک از این مراحل و اقتضائات خاص آن مرحله تدارک دید و نحوه برخورد با مسائل و تفسیر آنها نیز به تناسب صورت گیرد؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از این مراحل دچار خلل نشده، مشخصات همان مرحله به صورت متعالی انجام پذیرد؛^۱ مثلاً کودک در مرحله خاصی فقط عینیات را درک می‌کند و درک مفاهیم انتزاعی برای او مشکل است که این تدابیر تربیتی خاص خود را می‌طلبد.

۳. مبتنی بر اتحادی بودن رابطه نفس با بدن

اصل پرورش توأم جسم و نفس: انسان در حرکت جوهری خویش باید از منازل گوناگونی بگذرد و دنیا اولین منزل است. از این‌رو گذر از آن و پذیرش ملزومات آن امری ضروری است. بنابراین نباید امور دنیوی را خوار شمرد. با توجه به جسمانی‌الحدوث و روحانی‌البقا بودن نفس انسان، جسم به مرحله روحانیت می‌رسد و رابطه اتحادی بین جسم و نفس سبب می‌شود پرورش آنها همراه هم صورت گیرد و این امر هرگز نباید مورد غفلت مریبان قرار گیرد؛ زیرا تربیت یک بعد و غفلت از تربیت بعد دیگر، نوعی نقص در امر تربیت به‌بار می‌آورد.

به‌نظر ملاصدرا مادام که امر معاش در دنیا (حالت تعلق نفس به محسوس) تمام نباشد، امر انتقال و انقطاع به سوی باری تعالی (سلوک) صورت نمی‌گیرد؛ امر معیشت در

۱. لازم به یادآوری است به‌نظر ملاصدرا سیر و سلوک نفس پس از مرگ پایان نمی‌یابد و نفس به علت مفارقت از این دنیا از تربیت دنیوی بی‌نیاز است. لذا صحبت از آن در این بحث نمی‌گنجد.

دنیا تمام نمی‌شود مگر اینکه بدن آدمی سالم، نسل او دائم و نوع او باقی بماند و این امور تمام نمی‌شود مگر به اسبابی که وجود آنها را حفظ نماید و مفسد و مهلکات را دفع کند. (خسرونژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

بررسی این مفهوم در فرآیند یادگیری نیز حائز اهمیت می‌باشد. دانش‌آموز باید از لحاظ جسمانی و نفسانی آمادگی داشته باشد و اگر به هر دلیلی از رشد جسمانی مطلوب بهره نبرد، یادگیری او دچار مخاطره خواهد شد؛ مثلاً در پایین‌ترین سطح برای یادگیری خواندن و نوشتن باید از قوای جسمانی سالم بدین منظور بهره‌مند باشد. در غیر این صورت، جریان یادگیری او به کندی پیش خواهد رفت یا حتی متوقف خواهد شد.

۴. مبتنی بر کمال نفس به تجرد عقلانی

اصل تعقل: عقل دلیلی برتر و نزدیکتر به مطلوب از دلیل نفس است؛ چون نفس برای حرکت، تدبیر و اراده به ماده وابسته است؛ اما عقل در به کمال رسیدن از این وابستگی‌ها دور بوده، محکم‌ترین دلایل بر مقصود و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به معبود است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۸۱)

حقیقت انسان با عقل تحقق می‌یابد و نفس با آن به کمال می‌رسد. بدین ترتیب، مبنای انسانیت انسان، کمال نفس و فعلیت یافتن آن به حساب می‌آید و ارزش اعمال آدمیان با ملاک عقل و عقلانیت سنجیده می‌شود. پس تا زمانی که جوهره خود را به مرحله عقل و عقلانیت و علم و عالم نرساند، هنوز از مشاهده حقایق به‌دور است و انسانیت او به مرحله فعلیت نرسیده است. (بیات، ۱۳۸۳: ۴۴)

جوهر نفس از نظر ذات و فطرت خویش مستعد آن است که به‌وسیله عقل نظری، راه کمال را بپوید و ذات خویش را به جلوه‌هایی از درون و مافوق مشتعل سازد و به وسیله عقل عملی از آفات و ظلمات رهایی یابد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۳۰۲) بر این اساس، نظام تعلیم و تربیت باید برنامه‌ها، مواد و روش‌های آموزشی را طوری سازماندهی نماید که به پرورش بعد عقلانی متربّی توجه خاص داشته، او را در این مسیر یاری نماید.

اصول تعلیم و تربیت	نظر فلسفی
پرورش قوای حسی	جسمانیة الحدوث بودن نفس
- استمرار تعلیم و تربیت - تغییر، اصلاح و بازآفرینی - تدریجی بودن تعلیم و تربیت	حرکت جوهری نفس
پرورش توأم جسم و نفس	رابطه اتحادی نفس و بدن
- جامعیت - تناسب	وجود مراتب مختلف نفس
تعقل	روحانیة البقا بودن نفس و تجرد عقلانی مبنای کمال نفس

جدول ۲: اصول تعلیم و تربیت از منظر ملاصدرا

نتیجه

ملاصدرا تعلق نفس به بدن را برحسب استکمال و اکتساب فضائل وجودی می‌داند؛ چراکه با تحولات در هر مرحله از زندگی، وجودش کامل گشته، به تدریج از ماده به مجرد می‌رسد. بنابر اصل حرکت جوهری وی، نفس جسمانی الحدوث و روحانی البقا است. این سیر استکمالی ادامه می‌یابد تا به تجرد عقلانی کامل برسد و از جسم جدا گردد.

برای پیوند مباحث فلسفی و تربیتی، چگونگی حدوث، فرآیند طی شده تا تجرد و مراتب مختلف نفس، اساس مباحث تربیتی خواهند بود. از این رو بر اساس این دیدگاه، نظام تعلیم و تربیت در تمام مراحل حیات بشر تعریف می‌شود. تعلیم و تربیت محدود به زمان و مکان مشخصی نخواهد بود و تنها در شکل آموزش و پرورش رسمی صورت نمی‌گیرد؛ آنچه اهمیت دارد، سوق دادن انسان به سوی کمال عقلی است و این اصل تربیتی باید در هر یک از مراحل تکاملی نفس مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه فعالیت‌های خاص نظری و عملی متناسب با هر مرحله از رشد نفس، زمینه‌های مساعد برای به فعلیت رسیدن استعدادها در مرحله بعدی را فراهم می‌سازد.

یادگیری حقیقی مبتنی بر بهره‌گیری صحیح از قوای سه‌گانه نباتی، حیوانی و انسانی در مسیر شناخت نفس، حقیقت و وصول به عقلانیت محض است. هدف تعلیم و تربیت

نیز آگاه ساختن فرد به حقیقت وجودی خویش و بهره‌گیری صحیح از تن برای رسیدن به اهداف متعالی نفس می‌باشد؛ به طوری که اصول تربیتی بر تعالی نفس متمرکز بوده و تا جایی که امکان دارد، فرد باید از بدن و عوالم مادی جدا شود.

شناخت صحیح، به‌کارگیری درست اعضا و آلات، قدرت تشخیص کمالات و نقایص و مهم‌تر از همه، ایجاد توازن بین عقل نظری و عقل عملی مهم‌ترین مواردی است که باید متناسب با هر مرحله مورد توجه قرار گیرد.

تفاوت‌های ذاتی و محیطی افراد، مطلق بودن وصول به تجرد عقلی را نقض می‌کند. تمام افراد در سپری کردن سلسله مراتب استكمال وجودی به کمال نمی‌رسند و تنها تعداد اندکی از مردم به این مقام بار می‌یابند که این به کیفیت تربیت نفس هر انسان و نیز توجه و فیض خداوندی در افراد بستگی دارد. آموزش و پرورش با نگاه به این رویکرد می‌تواند بین ساحت‌های وجودی انسان توازن ایجاد نماید و با شناساندن ابعاد وجودی انسان، به خصوص نفس او، شیوه‌های مناسب برای وصول به کمال وجودی و عقلانی را فراهم کند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین و رحمت‌الله کریم‌زاده، ۱۳۸۸، «رابطه نفس و بدن»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، شماره ۲۴، ص ۲۰-۳.
۲. اسمیت، فیلیپ جی.، ۱۳۷۱، *فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه سعید بهشتی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳. الله‌بداشتی، علی، ۱۳۸۳، «انسان‌شناسی شناخت عقل در پرتو عقل و نقل»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، شماره ۱۹، ص ۴۲-۱۷.
۴. باقری، خسرو، ۱۳۸۸، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران، انتشارات مدرسه.
۵. بیات، اسدالله، ۱۳۸۳، «عقل و خرد و ابعاد آن از زاویه نگاه امام علی (علیه السلام)»، *متین*، شماره ۲۳ و ۲۴، ص ۵۴-۲۵.
۶. بی‌نا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ج ۱، تهران، سمت.
۷. پهلوانیان، احمد، ۱۳۸۷، *رابطه نفس و بدن از نظر ملاصدرا*، قم، بوستان کتاب.
۸. خسرونژاد، مرتضی، محسن قمی و محمد شریفانی، ۱۳۸۷، «نظریه حرکت جوهری: پیامدهای فلسفی و تربیتی»، *فصلنامه اندیشه دینی*، شماره ۲۹، ص ۱۱۶-۹۱.
۹. خواجه‌جو، محمد، ۱۳۶۶، *لواعع العارفین*، تهران، مولی.
۱۰. زکوی، علی‌اصغر، ۱۳۸۴، «تحلیلی از دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا در مسئله حدوث نفس»، *فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران*، سال اول، شماره ۲، ص ۱۴۰-۱۱۷.
۱۱. سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۱، *فرهنگ علوم عقلی*، تهران، امیرکبیر.
۱۲. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی، ۱۳۷۸، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چ پنجم، تهران، آگاه.
۱۳. سیاسی، علی‌اکبر، ۱۳۴۸، *علم‌النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت*، تهران، کتابفروشی دهخدا.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۰، *الشواهد الربوبية فی المنهاج السلوکیه*، ترجمه جلال‌الدین آشتیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۱۵. _____، ۱۳۶۲، *مبدأ و معاد*، ترجمه حسینی اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۶. _____، ۱۳۶۳، *أسرار الآیات*، ترجمه محمد خواجوی، چ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. _____، ۱۳۶۶، *الشواهد الربوبية*، ترجمه جواد مصلح، تهران، سروش.
۱۸. _____، ۱۳۷۰، *معرفة النفس والحشر*، ترجمه اصغر طاهرزاده، اصفهان، دفتر نشر جنگل.
۱۹. _____، ۱۳۷۱، *مفاتيح الغیب*، ترجمه محمد خواجوی، تهران، مولی.
۲۰. _____، ۱۳۷۸، *اجوبة المسائل*، تصحیح و تحقیق عبدالله شکیبا، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۱. کاردان، علی محمد، ۱۳۸۷، *سیر آرای تربیتی در غرب*، تهران، سمت.
۲۲. کول، ونیتا، ۱۳۷۷، *آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان*، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران، سمت.
۲۳. محمدی، مهدی، ۱۳۸۸، «ارتباط نفس و بدن از نظر ابن سینا و ملاصدرا»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن سینا، همدان، بنیاد فرهنگ ابوعلی سینا.
۲۴. مصلح، جواد، ۱۳۵۲، *علم النفس یا روان‌شناسی صدرالمتألهین: ترجمه و تفسیر از سفر نفس کتاب اسفار*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۵. نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی، ۱۳۷۸، *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی*، تهران، بدر.
۲۶. واعظی، حسین، ۱۳۸۵، *مرغ باغ ملکوت: نفس از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا*، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.